

بررسی مسئولیت مدنی بازرسان شرکت های سهامی عام و خاص

مهدي قنبريان

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

بازرس یا بازرسان شرکت های سهامی ممکن است در نتیجه تقصیر در انجام وظایف محوله به موجب مقررات قانونی و یا اساسنامه قانونی خود مسئول شناخته شوند. در این فرض بازرسان حسب مورد دارای دو نوع مسئولیت می باشند: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری. البته در صورت تشکیل کانون بازرسین و درج نام آنها به عنوان بازرسین رسمی شرکت، علاوه بر مسئولیت های فوق دارای مسئولیت انتظامی نیز خواهند بود. (آیین نامه مذکور در تبصره ماده ۱۴۴ لایحه اصلاح قانون تجارت). مسئولیت مدنی: به موجب ماده ۱۵۴ (ل.ا.ق.ت) بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. براساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی اولاً: بازرس زمانی مسئول است که مرتکب خطا و تقصیری گردیده باشد و در نتیجه این تقصیر ضرری به شرکت یا اشخاص ثالث وارد آمده باشد. ثانیاً: باید اثبات شود که ضرر بوجود آمده ناشی از تقصیر بازرس در انجام وظایف محوله می باشد و رابطه علت و معلولی بین زیان وارده و تقصیر بازرس وجود دارد. البته با توجه به قواعد مسئولیت مدنی به معنای خاص و پذیرش مبنای تقصیر در مسئولیت مدنی به عنوان اصل، بار اثبات خطا و تقصیر برعهده مدعی می باشد. هر گاه بازرسان شرکت متعدد باشند و ضرر بوجود آمده ناشی از خطای جمعی آنها باشد، نظر به پذیرش مسئولیت نسبی یا مشترک در مسئولیت مدنی، ضرر و زیان وارده بین آنان تقسیم می شود. مسئولیت کیفری: بازرسان هم مانند هر شخص دیگری امکان دارد مرتکب جرمی شوند بدیهی است مسئولیت آنها به میزان مجازات پیش بینی شده در قانون مجازات می باشد؛ اما در (ل.ا.ق.ت) سال ۱۳۴۷ جرایم خاصی برای بازرسان مقرر گردیده است که مختص بازرسین شرکت سهامی است. به موجب ماده ۲۶۶ (ل.ا.ق.ت) (هر کس باوجود منع قانونی عالماً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد) همچنین به موجب ماده ۲۶۷ (ل.ا.ق.ت) هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از ۳ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

واژه های کلیدی: بازرس، شرکت های سهامی، مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری، تقصیر.

مقدمه:

با اینکه در مورد «بازرس» در لایحه اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ که از این پس تحت عنوان لایحه اصلاح از آن یاد خواهد شد، ابهامات زیادی وجود دارد ولی درباره آن تحقیقات درخور توجهی صورت نگرفته است. شاید یکی از دلایل این کمبود، جدایی «حسابرسی» صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای و «بازرسی» موضوع مواد ۱۴۴ الی ۱۵۶ قانون یادشده باشد. اگر چه در مورد علت و دلایل قانونی این تفکیک، مستندات لازم در دست نیست ولی احتمال بسیار وجود دارد که این جدایی منجر به تضعیف بازرسی شده باشد، همچنانکه حسابرسی همواره مورد تحقیق و بازنگری قرار گرفته و در اجرای بند «ز» ماده ۷ اساسنامه سازمان حسابرسی و به همت مدیران و صاحبانظران حرفه حسابداری، استانداردهای حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای تدوین شده است که این اقدام بخش حسابرسی را قویتر و قانونمندتر کرده است ولی در بخش بازرسی مسائل زیادی از جمله «تخصص بازرس»، «اصل اهمیت در گزارش بازرس»، «نحوه تهیه گزارش بازرس» و سایر موارد در هاله‌ای از ابهام است و در اصلاحات پیشنهادی اخیر تغییر محسوسی درباره مقررات مربوط به بازرس صورت نگرفته است.^۱

فصل اول کلیات**گفتار اول تعاریف و مفاهیم****بند اول: تعریف شرکت**

شرکت در لغت از ریشه‌ی «شَرک» به معنای شریک شدن، مشارکت، آمیزش و اختلاط است.^۲ شرکت (موضوعی یا شکلی) در حقوق تجارت شخصیت حقوقی مستقلی است که به موجب قراردادی بین دو یا چند نفر ایجاد می‌شود و به انجام امور تجاری می‌پردازد. از میان شرکت‌های تجاری تنها شرکت سهامی به موجب قانون تجارت الزاماً تحت کنترل بازرس یا بازرسان قرار دارد.^۳ البته برای شرکت‌های تعاونی نیز طبق قانون شرکت‌های تعاونی بازرس تعیین می‌شود.^۴ البته هیات نظار در شرکت با مسئولیت محدود نیز ممکن است تا حدودی قابل قیاس با بازرس شرکت سهامی باشد. بازرسی یکی از ارکان شرکت است که قانون وظایف آن را معین می‌نماید و در انجام وظایفش مستقل از ارکان دیگر شرکت مانند مجمع عمومی و هیأت مدیره عمل می‌کند.^۵

بند دوم: شرکت سهامی

برابر ماده‌ی ۱ لایحه‌ی اصلاح مصوب ۱۳۴۷، شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت سهام‌داران در این شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است. شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص. شرکت سهامی عام شرکتی است که مؤسسين آن، قسمتی از سرمایه‌ی شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌نمایند و شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه‌ی آن در زمان تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین می‌شود. صاحبان سهام در شرکت‌های سهامی به طور انفرادی حق بررسی و دخالت در امور شرکت را ندارند که البته این امر مقتضی حسن جریان نظارت بر امور شرکت و تصمیمات آن است.

^۱ - علی محمد، ساجدی، پاییز ۱۳۸۳، ۱۴۴

^۲ - مسعود، انصاری، محمدعلی، طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴، چاپ اول، جلد دو، ص ۱۱۴۰

^۳ - حسین خراعی، حقوق تجارت، تهران، نشر قانون، ۱۳۸۵، چاپ اول، جلد دوم، ص ۱۳۳

^۴ - حسن، حسینی، حقوق تعاونی‌ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۷۰، ش ۱۳۵

^۵ - ربیع، اسکینی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ هشتم، جلد دوم، ص ۱۸۱

مجمع عمومی صاحبان سهام نیز وقت و آگاهی کافی برای بررسی معاملات و حساب‌های شرکت را ندارند؛ و تنها یک‌بار در سال (به استثنای موارد فوق العاده) تشکیل می‌گردد و سهام‌داران در طول سال دخالتی در امور شرکت ندارند. به همین جهت قانون برای نظارت در حساب‌ها و معاملات شرکت سهامی، بازرسی را تعیین نموده است.^۱

گفتار دوم: انتخاب بازرس

هر شرکت سهامی باید حداقل یک بازرس داشته باشد. همچنین مطابق ماده‌ی ۱۴۶ ل.ا.ق. باید یک یا چند بازرس علی‌البدل انتخاب کرد تا در صورت داشتن عذر (مانند بیماری) یا فوت یا استعفا یا از دست دادن شرایط لازم برای بازرسی یا نپذیرفتن سمت بازرسی توسط بازرس یا بازرسان اصلی، بازرس یا بازرسان علی‌البدل وظایف محوله را انجام دهند. در صورتی که بازرس اصلی به علت وجود عذری نتواند وظایف مربوط به بازرسی را انجام دهد، پس از رفع عذر وظایف بازرس علی‌البدل به پایان می‌رسد. چنانچه بازرس اصلی فوت نماید یا استعفا دهد یا شرایط لازم برای بازرسی را از دست بدهد یا سمت بازرسی را قبول ننماید، وظایف بازرس علی‌البدل در پایان مهلتی که برای بازرسی بازرس اصلی معین شده بود پایان می‌پذیرد.^۲

انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت سهامی عام با مجمع عمومی مؤسس و انتخاب اولین بازرس یا بازرسان شرکت سهامی خاص بوسیله‌ی سهام‌داران و با تنظیم صورت جلسه و امضای آن انجام می‌شود.^۳ (ماده‌ی ۱۴۵ ل.ا.ق.ت) انتخاب بازرس یا بازرسان در دفعات بعدی در همه‌ی شرکت‌های سهامی توسط مجمع عمومی عادی صورت می‌گیرد. (ماده‌ی ۱۴۴ ل.ا.ق.ت)

نسخه‌ای از صورت جلسه‌ی مجمع عمومی دایر بر انتخاب بازرس یا بازرسان باید به مرجع ثبت شرکت‌ها ارسال شود. (ماده‌ی ۱۰۶ ل.ا.ق.ت) هم‌چنین باید نام و مشخصات بازرس یا بازرسان پس از انتخاب در روزنامه‌ی رسمی و روزنامه‌ی کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌شود، منتشر گردد.^۴

چنانچه مجمع عمومی بازرس تعیین ننماید یا یک یا چند نفر از بازرسان به دلایلی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع نمایند، دادگاه عمومی واقع در محلی که مرکز اصلی شرکت در آنجا قرار دارد، به تقاضای هر فرد ذینفعی بازرس را به تعدادی که در اساسنامه‌ی شرکت مقرر شده است انتخاب مینماید تا وظایف مربوط به بازرسی را تا انتخاب بازرس توسط مجمع عمومی انجام دهند.^۵ (ماده‌ی ۱۵۳ ل.ا.ق.ت)

بند اول: شرایط بازرس

اگرچه در خصوص شرایط بازرس در شرکت سهامی خاص مقرراتی وجود ندارد اما آیین‌نامه‌ی اجرایی تبصره‌ی ماده‌ی ۱۴۴ ل.ا.ق.ت مصوب ۱۳۵۰ شرایط لازم برای بازرسان شرکت‌های سهامی عام را تعیین نموده: داشتن حسن شهرت و نداشتن پیشینه‌ی کیفری مؤثر، داشتن درجه‌ی لیسانس یا بالاتر در یکی از رشته‌های متناسب با وظایف و مسئولیت‌های بازرسی به تشخیص کمیسیون مذکور در ماده‌ی دو، داشتن حداقل ۵ سال تجربه متناسب با وظایف و مسئولیت‌های بازرسی به تشخیص کمیسیون مذکور در ماده‌ی دو، عدم اشتغال به نمایندگی مجلس، عدم اشتغال به‌طور تمام وقت در مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها.^۶

^۱ - حسن، ستوده تهرانی، حقوق تجارت، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸، چاپ شانزدهم، جلد دوم، ص ۲۳۰

^۲ - ربیعا، اسکینی؛ پیشین، ص ۱۸۴

^۳ - حسن؛ حسنی، پیشین، ص ۱۴۱، ش ۲۷۸

^۴ - حسن، حسنی، پیشین، ص ۱۴۲ و ۱۴۳، ش ۲۸۰

^۵ - البته در صورتی که دادگاه نیز طبق ماده‌ی ۱۵۳ ل.ا.ق.ت بازرس برای شرکت تعیین نماید، این انتخاب نیز باید به مرجع ثبت شرکت‌ها اطلاع داده شود. وظیفه اطلاع دادن به این مرجع بر عهده‌ی مدیران شرکت می‌باشد.

^۶ - محمود، عرفانی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چاپ اول، جلد دوم، ص ۱۲۷

هم‌چنین مجمع عمومی و یا دادگاه نمی‌توانند اشخاصی را که طبق ماده‌ی ۱۴۷ ل.ا.ق.ت از انتخاب شدن به عنوان بازرس منع شده‌اند، به این سمت برگزینند.

ماده‌ی ۱۴۷ ل.ا. در خصوص ممنوع بودن همسر مدیران و مدیرعامل از انتخاب شدن به سمت بازرسی ساکت است اما می‌توان گفت او نیز از انتخاب شدن به عنوان بازرس ممنوع است، زیرا علت ممنوعیت خویشاوندان طبق این ماده، وجود رابطه‌ی خویشاوندی است که احتمال تبانی را افزایش می‌دهد و این مطلب در مورد همسر نیز صدق می‌کند.^۱

گفتار سوم: وظایف بازرس

بازرس با توجه به وظایفی که قانون و یا مقررات اساسنامه بر عهده او گذاشته است مأموریت‌های متنوعی دارد. مأموریت اصلی بازرس بررسی حسابهاست. علاوه بر این، قانون گذار مأموریت اطلاع رسانی به سهام داران و مقامات قضایی و مأموریت‌های نظارتی خاصی را برای کنترل وضع کلی شرکت به بازرس داده است که لازم است در اینجا به آنها اشاره کنیم.

بند اول: مأموریت بررسی حسابها

بازرس یا بازرسان مکلف اند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند اظهار نظر کنند (قسمت اول ماده ۱۴۸ لایحه اصلاح قانون گذار الفاظ صحت و درستی را تعریف نکرده است، ولی مسلم است که حسابها باید هم با مقررات و موازین قانونی راجع به طرز تنظیم و نگهداری آنها مطابقت کند و هم مخالف واقعیت نباشد.^۲

کار بازرس شرکت در اجرای مأموریت بررسی و کنترل حسابها جنبه نظارتی دارد و او نمی‌تواند، در صورت صحیح نبودن حسابها، آنها را دوباره تدوین و تنظیم کند، بلکه فقط می‌تواند در مورد آنها اظهار نظر کند: هرگاه حسابها صحیح و درست باشد، آنها را تصدیق خواهد کرد و در غیر این صورت، نظر خود را، با ذکر مواردی که تصدیق نمی‌کند، به مجمع عمومی تسلیم خواهد کرد. اگر چه قانون گذار در این مورد قاعده خاصی پیش بینی نکرده است، بهتر است او پیش از تسلیم گزارش به مجمع عمومی نظر مدیران شرکت را نیز جویا شود و با همکاری آنان احیانا آنچه را قابل تصحیح است، تصحیح کند و گزارش خود را به نحو مقتضی تغییر دهد. بدیهی است گزارش او باید متضمن دلایلی باشد که نشان می‌دهد حسابها فاقد صحت و درستی مورد نظر قانون گذار است.^۳

بند دوم: مأموریت اطلاع رسانی

بازرس با توجه به اطلاعات فنی و تخصصی ای که دارد - یا باید داشته باشد - موظف است سهام داران و در بعضی موارد مقامات قضایی را از وضعیت حسابها مطلع کند.

۱. اطلاع رسانی به سهام داران: بازرس مکلف است گزارش های مختلفی را به مجامع عمومی تسلیم کند؛ از جمله: - به مناسبت تشکیل مجمع عمومی سالانه، او باید گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کند. گزارش مذکور باید لااقل ده روز قابل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد (ماده ۱۵۰ ل.ا).

- علاوه بر این او باید ضمن گزارش خاصی راجع به جزئیات معاملاتی بین شرکت و هر کدام از مدیران یا مدیرعامل، نظر خود را درباره چنین معاملاتی به مجمع عمومی عادی تسلیم کند (ماده ۱۲۹ ل.ا)

^۱ - حسن، حسنی، پیشین، ص ۱۴۹، ش ۳۰۰

^۲ - محمود؛ عرفانی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چاپ اول، جلد دوم، ص ۹۶

^۳ - ربیعا؛ اسکینی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ هشتم، جلد دوم، ص ۱۸۷

- با توجه به اختیارات مجمع عمومی فوق العاده، او باید گزارشهایی را که قانون برعهده اش گذاشته است به مجمع مزبور تسلیم کند؛ مانند گزارش راجع به افزایش سرمایه شرکت یا کاهش آن و نیز گزارش راجع به ضرورت سلب حق تقدم سهام داران در صورت افزایش سرمایه. (مواد ۱۶۱، ۱۹۱، ۱۶۷ ل.ا)

- بازرس باید هر گونه تخلف یا تقصیری را که در امور شرکت از مدیران و مدیرعامل مشاهده می کند به اولین مجمع عمومی - اعم از عادی یا فوق العاده - اطلاع دهد (قسمت اول ماده ۱۵۱ ل.ا)

۲. اطلاع رسانی به مقامات قضایی: اگر بازرس، ضمن انجام دادن مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شود باید مراتب را به مرجع قضایی صلاحیت دار اعلام کند و جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهد (قسمت اخیر ماده ۱۵۱ ل.ا) اگر چه قانون گذار این قاعده را به صراحت بیان نکرده است، به طور مسلم منظور از جرم، جرمی است که به طرز کار و اداره شرکت مربوط باشد. بازرس از زمان اطلاع از جرم مکلف است جرم واقع شده را اعلام کند و تصحیح عمل مجرمانه به وسیله مرتکب، بازرس را از اطلاع دادن به مقامات قضایی معاف نمی کند. بدیهی است عدم اعلام جرم تقصیر تلقی شده، طبق مقررات عام حقوق مسئولیت مدنی، موجب مسئولیت مدنی بازرس خواهد بود. قانونگذار ما، برخلاف قانون گذار فرانسه، برای عدم اعلام جرم کیفر خاصی معین نکرده است.^۱

^۱ - حسن؛ حسنی، حقوق تعاونی ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۷۹، ش ۱۳۵

بند سوم: مأموریت‌های نظارتی خاص

بازرس علاوه بر مأموریت اصلی بررسی حسابها، دارای وظایف ویژه دیگری است که عمدتاً جنبه حقوقی دارد. با بررسی این وظایف می‌توان ملاحظه کرد که بازرس تا چه حد در کنترل حیات شرکت دخالت دارد.

۱. بازرس باید در این مورد که مدیران شرکت دارای تعداد سهام وثیقه ای موضوع مواد ۱۱۴ به بعد لایحه قانونی ۱۳۴۷ هستند یا خیر و اینکه سهام مزبور در صندوق شرکت نگهداری می‌شود یا خیر تحقیق کند و در صورت مشاهده هرگونه تخلف از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه، مراتب را به مجمع عمومی عادی گزارش دهد (ماده ۱۱۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

۲. وظیفه دیگر او این است که درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کند و در صورتی که آنان اطلاعاتی برخلاف واقع در اختیار صاحبان سهام قرار دهند، مراتب را به مجمع عمومی اطلاع دهد (ماده ۱۴۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

۳. بازرس باید اطمینان حاصل کند که حقوق صاحبان سهام، در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است، به طور یکسان رعایت شده باشد؛ حقوقی نظیر تقسیم سود و حق رأی (ماده ۱۴۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

۴. در صورتی که مدیران، مجمع عمومی را دعوت نکنند، بازرس باید به درخواست سهام دارانی که لاقلاً یک پنجم سرمایه شرکت را مالک اند، مجمع مورد تقاضا را دعوت کند (ماده ۹۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷). بدون درخواست سهام دارن نیز بازرس مکلف است رأساً اقدام به دعوت عمومی عادی کند (ماده ۹۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷). در صورتی که بازرس مقتضی بداند، می‌تواند مجمع عمومی عادی را به طور فوق العاده دعوت کند (ماده ۹۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷).^۱

گفتار چهارم: حقوق و اختیارات بازرس

قانونگذار تکالیف متعدد و با اهمیتی بر عهده بازرسین قرار داده است که عدم انجام آنها یا تقصیر بازرس در اجرای هر یک از آنها ممکن است موجب ورود خسارت سنگین و بعضاً جبران ناپذیری گردد بنابراین برای آنکه بازرس بتواند در بهترین شرایط وظایفش را انجام دهد، قانون گذار اختیارات وسیعی نیز به او اعطا کرده است. در واقع، در قسمت اول ماده ۱۴۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است: «بازرس یا بازرسان می‌توانند، در هر موقع، هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند». آنچه مسلم است اگر مدارک و اطلاعات مزبور نزد شرکت باشد مدیران و مدیرعامل باید آنها را در اختیار بازرس قرار دهند؛ ولی اگر اطلاعات در اختیار اشخاصی خارج از شرکت باشد، آیا بازرس می‌تواند آنها را نیز از اشخاص مزبور مطالبه کند؟^۲

در قانون تجارت فرانسه، به صراحت این حق به بازرس داده شده است که اطلاعات مربوط به شرکت را از خود شرکت (مدیران)، یا شرکتهای وابسته به آن و یا از اشخاصی که به حساب شرکت اقداماتی کرده‌اند و به شرکت مربوط می‌شود، مطالبه کند. اشخاص اخیر آنهايي هستند که وکیل شرکت تلقی می‌شوند یا به شرکت خدمات می‌دهند؛ مانند بانکها، کارگزاران بورس و سردفتران. البته، مشتریان شرکت مشمول این قاعده نمی‌شوند؛ چه این اشخاص به نام شرکت عمل نمی‌کنند.

در حقوق ایران چنین اختیاراتی به بازرس داده نشده است و به نظر می‌رسد که او فقط می‌تواند به خود شرکت یا شرکتهای وابسته به آن مراجعه کند. اطلاعات را نیز باید از مرکز شرکت مطالبه و در همان جا مطالعه نماید. عبارت ماده ۱۴۹ ل.ا، یعنی «اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت»، نیز همین معنا را می‌رساند. با توجه به شرایط فعلی قانون گذاری این راه حل منطقی است، چه بازرسان دارای تشکیلات منسجمی نیستند تا بتوان از آن طریق آنان را به رعایت شئون حرفه ای مجبور

۱ - حسن؛ حسنی، حقوق تعاونی‌ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۷۹، ش ۱۳۵

۲ - حسن؛ حسنی، حقوق تعاونی‌ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۵۸، ش ۱۳۵

ساخت. اگر آنان اختیار مراجعه به اشخاصی غیر از شرکت را داشته باشند ممکن است رعایت امانت را نکرده، اطلاعات حرفه ای این اشخاص را به دیگران منتقل کنند، بدون اینکه به مجازات انتظامی خاصی محکوم شوند.^۱

«بازرس یا بازرسان می‌توانند به مسئولیت خود در انجام وظایفی که بر عهده دارند از نظر کارشناسان استفاده کنند، به شرط آنکه آنها را قبلاً به شرکت معرفی کرده باشند. این کارشناسان در مواردی که بازرس تعیین می‌کند مانند خود بازرس حق هرگونه تحقیق و رسیدگی را خواهند داشت» (قسمت دوم ماده ۱۴۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷)

«در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته باشد، هر یک می‌تواند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد، لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظر بین بازرسان موارد اختلاف، با ذکر دلیل، در گزارش قید خواهد شد» (تبصره ماده ۱۵۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷)

فصل دوم: وضعیت حقوقی بازرس شرکت

گفتار اول: انتصاب بازرس

هر شرکت سهامی باید الزاماً حداقل یک بازرس داشته باشد (ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷). انتخاب بیش از یک بازرس برای شرکت اختیاری بوده، زمانی مفید است که حجم زیاد امور شرکت آن را ایجاب می‌کند.

انتخاب یک یا چند بازرس علی‌البدل نیز برای شرکت الزامی است «...تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی، جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند» (ماده ۱۴۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷). وظایف بازرس علی‌البدل با رفع معذوریت بازرس اصلی (اگر علت کنار رفتن بازرس مزبور معذوریت باشد) خاتمه می‌یابد. در صورت فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت از طرف بازرس اصلی، وظایف بازرس علی‌البدل در پایان مهلتی که از ابتدا برای بازرسی او معین شده است خاتمه خواهد پذیرفت.

انتخاب اولین بازرس یا بازرسان در شرکتهای سهامی عام با مجمع عمومی مؤسس (ماده ۱۴۵ ناظر بر ماده ۱۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷) و در شرکتهای سهامی خاص با سهام داران شرکت است که در مورد اخیر، این انتخاب باید در صورتجلسه ای قید و به امضای کلیه سهام داران برسد (ماده ۱۴۵ ناظر بر بند ۳ ماده ۲۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷). در طول حیات همه شرکتهای سهامی، انتخاب بازرس یا بازرسان با مجمع عمومی عادی است.^۲

به موجب ماده ۱۵۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «در صورتی که مجمع عمومی بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان به عللی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند، رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذی نفع بازرس یا بازرسان را به تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس به وسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیرقابل شکایت است». در مورد این ماده ذکر چند نکته لازم است:

۱. با توجه به حذف دادگاه شهرستان در قانون گذاری فعلی، دادگاه صلاحیت دار برای انتخاب بازرس، دادگاه عمومی واقع در محلی است که مرکز شرکت در آنجا قرار دارد.
۲. دادگاه رسیدگی کننده به درخواست، در وقت اداری و خارج از نوبت به این موضوع رسیدگی خواهد کرد؛ کافی است دادگاه مدیرعامل شرکت را به طور صحیح دعوت کرده باشد.
۳. مأموریت بازرس یا بازرسانی که دادگاه آنان را انتخاب می‌کند با انتخاب بازرس یا بازرسان جدید در مجمع عمومی پایان خواهد پذیرفت.

۱- در آیین نامه اجرای تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش بینی شده است که پس از تشکیل کانون بازرسان رسیدگی به سلب صلاحیت بازرسان و اعلام آن بر عهده کانون مزبور خواهد بود (ماده ۶). بدیهی است رسیدگی به سلب صلاحیت موکول به این است که مقررات انضباطی خاصی نیز برای بازرسان وضع شود؛ در این صورت، می‌توان برای بازرسان، علاوه بر مسئولیت مدنی و کیفری، مسئولیت انتظامی نیز قائل شد؛ امری که در حال حاضر مصداق ندارد.

۲- مواد ۱۴۴ و ۱۴۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷

۴. منظور از اشخاص ذینفع عمدتاً سهام داران شرکت است، ولی اشخاص ثالث، به ویژه طلبکاران شرکت، در صورتی که اثبات کنند در درخواست انتصاب بازرس نفعی دارند، می‌توانند نصب بازرس یا بازرسان را تقاضا کنند. به هر حال، نه مجامع عمومی می‌توانند اشخاصی را انتخاب کنند که مشمول ماده ۱۴۷ لایحه قانونی ۱۳۴۷ می‌شوند، نه دادگاه؛ این اشخاص عبارت اند از:

۱. اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون،

۲. مدیران و مدیرعامل شرکت،

۳. اقربای سببی و نسبی مدیران و مدیرعامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم،

۴. هرکس که خود یا همسرش از اشخاص مذکور در بند ۲ موطفاً (یعنی به موجب قرار داد کار) حقوق دریافت می‌دارد. به موجب ماده ۱۰۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷، زمانی که مجامع مبادرت به انتخاب بازرس یا بازرسان می‌کنند باید نسخه ای از صورت جلسه مجمع برای ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال شود. با توجه به وحدت ملاک این ماده می‌توان گفت در موردی که دادگاه مبادرت به انتخاب بازرس می‌کند نیز این انتخاب باید به اطلاع مرجع ثبت شرکتها برسد. این کار بر عهده مدیران شرکت است.

گفتار دوم: ضمانت اجراهای عدم انتخاب صحیح بازرس

قانون گذار برای انتخاب صحیح بازرس یا بازرسان شرکت سهامی‌اهمیت خاصی قائل شده است؛ زیرا در ماده ۱۵۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر کرده است: «در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که بر خلاف ماده ۱۴۷ این قانون به عنوان بازرس تعیین شده اند، صورت داری و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط است». در صورت عدم رعایت مقررات این ماده از طرف مجمع عمومی، هر ذی نفع می‌تواند بطلان تصمیم مجمع را از دادگاه تقاضا کند (ماده ۲۷۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷). مع ذلک، هرگاه قبل از صدور حکم بطلان تصمیم مجمع، موجب بطلان آن رفع شود، یعنی بازرس دیگری که مطابق مقررات انتخاب شده است حسابها را تأیید کند، دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد (ماده ۲۷۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷). از نظر کیفری نیز، هرکس با وجود منع قانونی عالماً سمت بازرس را در شرکت سهامی‌بپذیرد و به آن عمل کند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۱۰۰ رییس و اعضای هیئت مدیره ای که به عمد مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند به مجازات های ذکر شده محکوم خواهند شد (ماده ۲۵۹ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

گفتار سوم: مدت مأموریت بازرس

مدت مأموریت بازرس یک سال از تاریخ انتصاب به وسیله مجمع عمومی‌عادی است (ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷). با توجه به اینکه بازرس باید وضعیت اداری و مالی شرکت را به خوبی بشناسد، این مدت کوتاه به نظر می‌رسد؛ به همین دلیل، قانون گذار فرانسه برای تثبیت وضع بازرس مهلت مأموریت او را به طور مرتب افزایش داده و در حال حاضر به شش سال مالی رسانده است (ماده ۳-۸۲۳ قانون تجارت). قانون گذار ما چنین راه حلی را پیش بینی نکرده است، ولی، مانند قانون گذار فرانسه، انتخاب مجدد بازرس یا بازرسان را بلامانع اعلام کرده است (ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷). عدم انتخاب مجدد بازرس هیچ حقی را علیه شرکت برای او ایجاد نمی‌کند. بازرس می‌تواند قبل از پایان یافتن مأموریتش استعفا کند و نمی‌توان از او به سبب استعفایش تقاضای خسارت کرد، مشروط بر اینکه مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی قابل سرزنش نباشد (ماده ۱۵۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷).

گفتار چهارم: حق الزحمه بازرس

در ماده ۱۵۵ لایحه قانونی ۱۳۴۷ اختیار تعیین حق الزحمه بازرس به مجمع عمومی داده شده، ولی نحوه تعیین آن معین نشده است؛ نتیجه این وضع این است که بازرس باید پیوسته در مورد حق الزحمه خود با مدیران که پیشنهاد انتخاب او را به مجمع عمومی می‌دهند، چانه زنی کند. آنچه مسلم است میزان حق الزحمه بازرس باید با حجم کار او متناسب باشد. البته، نباید میزان درآمد شرکت نیز نادیده گرفته شود. ایجاد سازمانی نظیر کانون بازرسان که در آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ پیش بینی شده است - و قبلاً به آن اشاره کردیم - در سامان دادن به این وضع مؤثر خواهد بود؛ چه یکی از وظایفی که می‌توان به چنین کانونی محول کرد، تعیین میزان حق الزحمه بازرسان شرکتهای سهامی است که از طریق رتبه بندی‌های خاص تحقق پیدا می‌کند.

گفتار پنجم: عزل بازرس

همان طور که انتخاب بازرس در اختیار مجمع عمومی است، عزل او نیز در اختیار همین مجمع است. به موجب قسمت اخیر ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «مجمع عمومی عادی، در هر موقع، می‌تواند بازرس یا بازرسان را عزل کند، به شرط آنکه جانشین آنها را نیز انتخاب نماید». این راه حل، بی شک، یکی از نقایص نظام حقوقی ماست و استقلال بازرس را محدود می‌کند. قانون گذار فرانسه در ماده ۲۲۶ قانون ۱۹۶۶ (ماده ۷-۸۲۳ قانون تجارت فعلی) عزل بازرس را به تحقق شرایط سختی موکول کرده است؛ بدین ترتیب که اولاً دلیل عزل باید خطا یا معذوریت بازرس باشد و ثانیاً عزل او از دادگاه تجارت که در وقت فوق العاده به این امور رسیدگی می‌کند، درخواست شود. در نظام حقوقی ما، وضع بازرس از این لحاظ شبیه وضع مدیران است که در هر وقت قابل عزل اند. بازرس بابت عزل خود نمی‌تواند تقاضای خسارت کند، مگر آنکه، مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی، وجود خسارت به خود و خطای اعضای مجمع (تصمیم گیرندگان) و نیز ارتباط بین خطا و خسارت را ثابت کند و صرف اینکه او بدون دلیله موجه عزل شده است کافی نیست.^۱

به هر حال، همان طور که در ماده ۱۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ آمده است، مجمع عمومی عادی که بازرس یا بازرسان را عزل می‌کند باید جانشین آنها را نیز انتخاب کند. مسئله ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که هرگاه تصمیم مجمع مبنی بر عزل بازرس متضمن انتخاب جانشین برای او نباشد، اثر تصمیم چیست؟ این سؤال به ویژه زمانی مفید است که شرکت بازرس علی البدل داشته باشد. برای پاسخ به این سؤال باید یک بار دیگر به ماده ۱۴۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نظر افکنیم که مقرر می‌کند: «مجمع عمومی عادی باید یک یا چند بازرس علی البدل نیز انتخاب کند تا در صورت معذوریت یا فوت یا استعفا یا سلب شرایط یا عدم قبول سمت توسط بازرس یا بازرسان اصلی جهت انجام وظایف بازرسی دعوت شوند». همان طور که ملاحظه می‌کنیم، بازرس علی البدل وقتی صلاحیت دارد که بازرس اصلی به یکی از دلایل مذکور در دسترس نباشد، نه موقعی که مجمع عمومی او را عزل می‌کند؛ بنابراین، حتی اگر شرکت دارای بازرس علی البدل باشد، مجمع عمومی باید جانشین بازرس عزل شده را انتخاب کند؛ در غیر این صورت، بنا به درخواست هر ذینفع بطلان تصمیم به حکم دادگاه اعلام خواهد شد، مشروط بر آنکه مجمع عمومی، پیش از صدور حکم بطلان تصمیم، بازرس جدید انتخاب نکند.^۲

فصل سوم: بررسی مسئولیت بازرس در قانون تجارت

با توجه به ماده ۱۵۴ لایحه اصلاحی بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. همچنین با

^۱ - اسکینی، ربیعا، پیشین، ص ۱۹۰

^۲ - مواد ۲۷۰ به بعد لایحه قانونی ۱۳۴۷

عنایت به ماده ۲۶۷ این قانون هرگاه بازرس شرکت سهامی عام راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.^۱ اگر بازرس فاقد تخصص حسابداری و حسابرسی باشد و در نتیجه رسیدگی شخص ثالث (کارشناسان موضوع ماده ۱۴۹ این قانون)، صحت و درستی صورتهای مالی موهوم را تایید نماید، چگونه می توان چنین بازرسی را به جرم تایید صورتهای مالی نادرست تحت تعقیب کیفری قرار داد؟ قانونگذار طی مواد ۱۵۴ و ۲۶۷ لایحه قانونی فوق مسئولیت مدنی و کیفری بازرس را بیان کرده است. برای تحقق مسئولیت مدنی وجود شرایط سه گانه رابطه سببیت، وجود فعل زیان بار و وجود ضرر لازم است و برای آنکه رفتار انسان جرم تلقی شود وجود عناصر سه گانه (عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی) جرم ضروری است. مسئولیت بازرس، در ماده ۶۳۲ اصلاحات پیشنهادی اخیر مقرر شده است ولی در متن اخیر عبارت «طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی» حذف شده است. اشخاص ثالث برای طرح شکایت علیه بازرس باید رابطه علت و معلولی بین خسارت وارد شده و گزارش بازرس و ارتباط مستقیم آنها را با هم اثبات کنند. عبارت مذکور برای تعیین حدود مسئولیت بازرس و جلوگیری از شکایات بی مورد علیه وی، ضروری است.^۲

گفتار اول: مسئولیت های بازرس

بازرس، در اجرای وظایفش، دارای دو نوع مسئولیت است: مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری.

بند اول: مسئولیت مدنی بازرس

ماده ۱۵۴ لایحه قانونی مقرر می کند: «بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند، طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود». در مورد این ماده چند نکته شایان ذکر است:

۱. مسئولیت بازرس وقتی برقرار است که او، مطابق قواعد عام، تقصیر کرده باشد و تقصیر باعث ضرر ذی نفع شده باشد.
 ۲. تقصیر بازرس، مفروض نیست، بلکه شخصی که مدعی تقصیر است باید آن را ثابت کند. عدم رعایت هر کدام از وظایف و تکالیفی که به موجب مقررات قانونی بر عهده بازرس گذاشته شده است، تقصیر محسوب می شود.
 ۳. مدعی باید ثابت کند که بین خطای بازرس و ضرر وارد آمده به او رابطه علت و معلولی وجود دارد. طبق قواعد عام مسئولیت مدنی، هرگاه خطای بازرس و مدیران جمعاً موجب ضرر و زیان شده باشد، خسارت وارد آمده باید بین آنان تقسیم شود جمع مسئولیت مدیران و بازرس جنبه تضامنی ندارد.^۳
- نکته ای که در اینجا حائز اهمیت است بحث از جبران خسارات وارده توسط بازرس می باشد. در بحث مسئولیت مدیران و خسارات وارده ناشی از تقصیر ایشان ماده ۱۱۴ لایحه قانونی ضمانت اجرایی را پیش بینی نموده است که در زمان جبران خسارات وارده می تواند تا حدودی (با توجه به میزان خسارات وارده) مفید واقع گردد و آن بحث از سهام وثیقه است. سهام وثیقه سهامی است که مدیران شرکت به تعدادی که در اساسنامه مقرر شده است باید داشته باشند. این سهام با نام و غیر قابل انتقال بوده و در صندوق شرکت نگهداری می شود و تضمین خساراتی است که از تقصیر مدیران حاصل می شود. یکی از مسئولیتها و تکالیف بارس نظارت و بررسی تحقق صحیح و قانونی ایداع سهام وثیقه از ناحیه مدیران می باشد.
- در خصوص بازرسی با توجه به تصریح بند ۲ ماده ۱۴۷ لایحه قانونی مبنی بر ممنوعیت انتخاب بازرس از میان مدیران و با لحاظ این مطلب که ایداع سهام وثیقه صرفاً از تکالیف مدیران که الزاماً از میان سهامداران انتخاب می گردند، می باشد باید گفت از آنجا که جمع بین سمت بازرس و مدیر در یک نفر ممنوع است و در ثانی امکان انتخاب بازرس از ناحیه غیر سهامداران،

^۱ - ربیعا؛ اسکینی، پیشین، ص ۱۹۰

^۲ - ربیعا؛ اسکینی، پیشین، ص ۱۹۰

امکان تسلیم سهام وثیقه از ناحیه بازرس سالبه به انتفاع موضوع است که این امر ضرورت تعیین ضابطه و امکانی جهت سهولت جبران خسارات وارده از ناحیه تقصیر بازرسین شرکت سهامی را می‌رساند. مواردی از قبیل بیمه مسئولیت بازرسین و یا ایجاد ساز و کاری در جهت جبران خسارت وارده از ناحیه ایشان توسط اجرایی شدن آیین نامه اجرایی ماده ۱۴۴ لایحه قانونی و تشکیل کانون بازرسین رسمی می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد.

بند دوم: مسئولیت کیفری بازرس

بازرس ممکن است در حین انجام وظایفش مرتکب جرایمی شود که در قوانین عام جزایی پیش بینی شده است؛ مانند جعل و استفاده از سند مجعول. علاوه بر جرایم عام، در لایحه قانونی ۱۳۴۷ جرایمی پیش بینی شده که خاص بازرس شرکت سهامی است به موجب ماده ۲۶۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «هرکس با وجود منع قانونی سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۱۰۰ هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد».^۱ علاوه بر این، طبق ماده ۲۶۷ همین لایحه: «هرکس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالماً راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارش های خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد». به جز در این دو ماده، در دیگر مواد لایحه مذکور مجازات خاصی برای بازرسی معین نشده است. در حالی که قانون ۱۹۶۶ فرانسه (ماده ۴۵۷) بازرسی را علاوه بر موارد مذکور، در صورت عدم اعلام جرایمی که از آن مطلع شده به مقامات قضایی و نیز افشای اسرار بازرگانی قابل مجازات اعلام کرده بود، قانون گذار فعلی این کشور، ضمن تأکید بر اجرای وظایف مزبور در مواد ۱۲-۸۲۳ و ۱۵-۸۲۳ قانون تجارت مجازات عدم رعایت این تکالیف را حذف کرده است.^۲

گفتار دوم: ممنوعیت های بازرسان

بازرسان شرکت های تعاونی مشمول ممنوعیت های زیر می‌باشند: بازرسان حق دخالت مستقیم در اداره ی امور شرکت را ندارند اما می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند و در خصوص مسایل جاری شرکت تعاونی اظهار نظر نمایند. هم چنین بازرسان نمی‌توانند سمت بازرسی یا مدیرعاملی یا عضویت هیأت مدیره ی شرکت تعاونی دیگری را که موضوع و فعالیت مشابه دارند بپذیرد. به علاوه معاملات بازرسان با شرکت تعاونی که بازرس آن هستند تابع مقرراتی است مجمع عمومی عادی در چهارچوب دستورالعمل وزارت تعاون تصویب می‌نماید.^۳

بند اول: مسئولیت بازرسان

هرگاه بازرس در عمل به وظایف و استفاده از اختیارات خود تخلف کند و موجب ورود ضرر به شرکت تعاونی شود ملزم به جبران آن خسارت خواهد بود و در صورتی که عمداً تخلف کرده باشد مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت.^۴ هرگاه شرکت تعاونی بیش از یک بازرس داشته باشد هر یک از بازرسان می‌توانند به تنهایی به انجام وظایف و اختیارات خود بپردازند. در صورت اختلاف نظر بین بازرسان، کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند و در صورت بروز اختلاف نظر، موارد اختلاف را با ذکر دلیل در گزارش قید می‌نمایند.^۵

۱ - حسین خزاعی، حقوق تجارت، تهران، نشر قانون، ۱۳۸۵، چاپ اول، جلد دوم، ص ۱۴۱

۲ - حسین خزاعی، پیشین، ص ۱۴۲

۳ - همان ص ۱۷۲

۴ - حسن حسینی، حقوق تعاونی ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چاپ اول، ص ۱۷۰، ش ۱۳۵

۵ - همان، ص ۱۷۴، ش ۱۴۰

خلاصه مطالب و نتیجه گیری

در سال ۱۳۴۷ اصطلاح «بازرس» با ترجمه کلمه کمیسر او کنت از زبان فرانسه تحت عنوان بازرس به زبان فارسی ترجمه شده است که گاهی از آن اینسپکتور^۱ نیز تعبیر می‌شود ولی خوب می‌دانیم که کلمه بازرس تاب تفسیری متناسب با نیاز جامعه تجاری را ندارد و از آن جا که کلمه آدیتور^۲ (حسابرس) در طی سالیان متمادی در کشورهای توسعه یافته مورد استفاده قرار گرفته، امروزه شرکتهای تجاری ملزم به نگهداری حسابهای خود طبق استانداردهای حسابداری هستند و حسابرسان نیز حسابهای آنها را طبق استانداردهای حسابرسی و با رعایت آیین رفتار حرفه ای رسیدگی می‌کنند. انتظار می‌رفت قانونگذار در تهیه اصلاحات پیشنهادی اخیر، با استفاده از صاحبان رسته های مختلف و انجام مطالعات تطبیقی در قوانین سایر کشورها، ارتباط حرفه حسابداری و قانون تجارت را شفافتر کرده و نارساییهای قبلی نیز رفع شود. مواردی چون «صحت و درستی گزارش بازرس» و «حدود مسئولیت بازرس نسبت به گزارش بازرس» به نحو مناسب مقرر نشده است و می‌تواند مشکلات اجرایی در پی داشته باشد. همچنین در اصلاحیه پیشنهادی، تخصص حسابداری و حسابرسی بازرس تصریح نگردیده که این امر در ارتقای حسابداری شرکتهای نیز موثر بود و جا داشت در متن جدید، با جایگزین کردن واژه حسابرس به جای بازرس، قانون تجارت از مزایای این واژه برخوردار شود "چون واژه حسابرس ساده، رسا، مانع، همه فهم، گویای ماهیت کار و همراه زمان می‌باشد و تخصص حسابداری و حسابرسی را نیز به همراه دارد.

منابع

۱. اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵، چاپ هشتم، جلد دوم
۲. حسنی، حسن؛ حقوق تعاونی‌ها، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، چاپ اول، ش ۱۳۵
۳. خزاعی، حسین؛ حقوق تجارت، تهران، نشر قانون، ۱۳۸۵، چاپ اول، جلد دوم
۴. ساجدی، محمد علی، پایگاه مجلات تخصصی علوم اسلامی، نشریه: اندیشه دینی، پاییز ۱۳۸۳
۵. ستوده تهرانی، حسن؛ حقوق تجارت، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸، چاپ شانزدهم، جلد دوم
۶. عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چاپ اول، جلد دوم
۷. مسعود، انصاری، محمدعلی، طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۴، چاپ اول، جلد ۲

^۱ inspector

^۲ auditor

Investigation of Civil Liability of the Inspectors of Public Companies and Privately Held Companies

Mehdi Ghanbarian

M.A in private law

Abstract

The inspector or inspectors of joint stock companies may be deemed liable as a result of their fault or negligence in performing their duties in accordance with the rules and regulations. In this assumption, the inspectors have two kinds of liability, namely: civil liability and criminal liability. However, in the event of the establishment of the Inspectorate and insertion of their names as official inspectors of the company, they will have disciplinary liability besides the above-mentioned types of liability (Note under Article 144 of the Bill on Amendments to the Trade Law)

According to Article 154, the inspector or inspectors shall be liable to compensate for the damages in accordance with the public rules related to civil liability if they commit offenses against the company or a third party and violate the rules when performing their duties. According to the public rules of civil liability: first, the inspector is responsible when he/she commits an error and a fault, and consequently brings damage to the company or third parties.

Secondly, it must be proven that the damage incurred has been the result of the inspector's fault in performing his/her assigned duties and there is a causal relationship between the damage and the inspector's fault. However, considering the rules of civil liability in the specific sense and accepting the base of fault in civil liability as the principle, it is the claimant who needs to prove the inspector's fault and negligence.

Whenever there are many inspectors in a company and the losses and damages have resulted from their collective fault, the damage or loss is divided among them due to the acceptance of the relative or joint liability in civil liability.

Inspector, like other people, may commit crimes; obviously, they will be punished as predicted in the Punishment Code. However, in (LAA) in 1347, specific investigators were ordered to be inspected by the inspector of the company. According to Article 266 (the Bill on Amendments to the Trade Law), anyone, despite the legal prohibition, accepts the inspection position in a joint stock company knowingly and acts on its basis will be sentenced to imprisonment for two to six months, or a fine ranging from twenty thousand to one hundred thousand rial, or to both punishments. Also, according to Article 267 (the Bill on Amendments to the Trade Law), anyone who tells a lie to the General Assembly about the circumstances of the company or confirms a lie knowingly while he/she is in the position of inspection of a joint stock company, he /she will be sentenced to imprisonment from three months to two years.

Keywords: inspector, joint stock companies, civil liability, criminal liability, fault
